

مقاله پژوهشی

بررسی عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با رفتارهای پرخاشگرانه: مورد مطالعه کرمانشاه

محسن صفاریان^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۴

چکیده

این پژوهش که با هدف شناسایی و تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با رفتارهای در بین جوانان شهر کرمانشاه انجام شده است. مطالعه با روش پیمایش و از طریق ابزار پرسشنامه انجام شد. جامعه آماری افراد بالای ۲۰ سال شهر کرمانشاه بودند که تعداد ۴۰۰ نفر از آن‌ها به شیوه تصادفی خوشه‌ای برای مطالعه انتخاب شدند. از روایی صوری و سازه برای هماهنگی درونی گویه‌ها و آلفای کرونباخ برای پایایی ابزار استفاده شد و از روش‌های آماری ضریب همبستگی و مقایسه میانگین‌ها برای آزمون فرضیات و تکنیک رگرسیون برای سنجش مدل تحقیق استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل ضریب همبستگی نشان می‌دهد که بین رفتار پرخاشگری و متغیرهایی چون محرومیت نسبی با مقدار $(r = 0/33)$ ، گرایش‌های مذهبی با مقدار $(r = -0/27)$ ، تأثیر دوستان با مقدار $(r = -0/12)$ ، فضای عاطفی خانواده با مقدار $(r = -0/27)$ رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چند متغیره نشان می‌دهد که چهار متغیر فضای عاطفی خانواده $(Beta = -0/37)$ ، تأثیر دوستان $(Beta = -0/33)$ ، محرومیت نسبی $(Beta = 0/25)$ و گرایش‌های مذهبی $(Beta = -0/28)$ به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند، وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و در مجموع این ۴ متغیر توانسته‌اند ۰/۴۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند $(R^2 = 0/46)$.

واژه‌های کلیدی: خانواده و دوستان؛ رفتار پرخاشگری؛ گرایش دینی؛ محرومیت نسبی.

مقدمه و بیان مسأله

پرخاشگری در لغت به معنای هجوم و ستیزه‌گری و دعوا می‌باشد. به نظر بسیاری از رفتارشناسان، ریشه‌ی پرخاشگری در ناکامی‌های اجتماعی و در کمبودهای مادی دوران کودکی است. بسیاری از درگیری‌ها، نزاع‌های مسلحانه، حمل و استفاده از اسلحه‌ی سرد و ... ریشه در پرخاشگری دارد که این موارد قسمت عمده‌ای از جرائم را در مورد نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهد. علاوه بر ناکامی‌ها، پرخاشگری به عنوان یک رفتار فردی و اجتماعی قابل یادگیری و انتقال می‌باشد و کودکان از والدین آن را فرا می‌گیرند، سپس با تماشای فیلم‌های خشن و مملو از صحنه‌های خشونت بار این ناهنجاری‌ها در نوجوانان نهادینه می‌شود. عدم تخلیه‌ی انرژی‌های نوجوانی در زمینه‌های سالم و ارزان قیمت و همچنین انباشت شدن انرژی‌های این دوران پر ماجرا، نقش عمده‌ای در بروز پرخاشگری در جامعه دارد. پرخاشگری یکی از مهم‌ترین مشکلات سلامت عمومی و اجتماعی است، ممکن است به دلیل آسیب‌های مستقیم جسمی، مشکلات روانی و رفتاری ایجاد شود و می‌تواند بار سنگینی بر جامعه وارد کند. خشونت، جزئی از آسیب‌های اجتماعی عصر مدرن بوده است که منجر به فروپاشی اخلاقی در مناسبات اجتماعی شده است (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۶).

رفتار پرخاشگرانه انسان در یک سازه کلی ریشه دارد. سازه‌ای که می‌تواند به صورت خشم، خصومت، پرخاشگری جسمانی و کلامی ظاهر شود. پرخاشگری ممکن است به شکل آشکار (کتک زدن یا هل دادن)، رابطه‌ای (شایعه پراکنی) و ابزاری (باجگیری) باشد (حقیقی سیس و همکاران، ۱۴۰۲). امروزه پرخاشگری با عناوین جدیدی مانند رفتار پرخاشگرانه سایبری در نوجوانان (چن و همکاران^۲، ۲۰۲۵: ۱) به عنوان یک رفتار پرخطر قابل توجه ظهور کرده است که سلامت روان و سازگاری اجتماعی آن‌ها را تهدید می‌کند. طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۲۱، حدود ۳۷٪ از نوجوانان ۱۳ تا ۱۷ ساله در سراسر جهان پرخاشگری سایبری را تجربه کرده‌اند و ۳۲٪ از قربانیان علائم روانی مانند اضطراب و افسردگی را نشان داده‌اند (بادورا و همکاران^۳، ۲۰۲۴). پرخاشگری بین غریبه‌ها و آشنایان در موقعیت‌های روزمره مانند ترافیک، خرید، کار و روابط شخصی رخ می‌دهد. پرخاشگری «رفتاری است که عمداً با هدف آسیب رساندن به شخص دیگری که انگیزه‌ی جلوگیری از آن آسیب را دارد، انجام می‌شود» که می‌تواند فیزیکی (مثلاً لگد زدن، مشت زدن یا هل دادن) یا کلامی (مثلاً فریاد زدن یا شایعه‌پراکنی) باشد. قربانیان ممکن است از اختلالات کوتاه‌مدت و بلندمدت از جمله ساییدگی، شکستگی، تروما،

^۲ . Chen and et al.

^۳ . Badura and et al.

اضطراب یا افسردگی رنج ببرند (بچر و همکاران^۴، ۲۰۲۵). فراتر از آسیب‌های فردی، پرخاشگری به دلیل اثرات منفی آن بر تعاملات اجتماعی و اختلال در نظم اجتماعی و اجرای قانون، یک مشکل اجتماعی است. بنابراین، درک بهتر پویایی‌ها و شرایط چنین رفتار مضر برای توسعه استراتژی‌های کاهش‌دهنده که رنج را کاهش داده است و انسجام اجتماعی را افزایش می‌دهند، بسیار مهم است.

در سال ۲۰۰۸، فرگوسن و همکاران^۵، دیدگاه متفاوتی را ارائه دادند و اظهار داشتند که اگرچه محیط‌های پرخشونت می‌توانند رفتار پرخاشگرانه سایبری را القا کنند، چنین رفتاری حتی با حذف عناصر خشونت‌آمیز نیز ادامه می‌یابد (فرگوسن و همکاران، ۲۰۰۸). آن‌ها استدلال کردند که خشونت صرفاً به عنوان یک انگیزه مستقیم عمل می‌کند و زمینه‌های ژنتیکی، عامل تعیین‌کننده اساسی آن هستند. این امر منجر به توسعه مدل کاتالیزور شد که فرض می‌کند افرادی که ذاتاً مستعد خشونت هستند، تمایل به اتخاذ الگوهای پرخاشگرانه دارند که منجر به افزایش پرخاشگری سایبری در شرایط استرس می‌شود. این سه مدل نظری مختلف، همگی نشان می‌دهند که عوامل خشونت‌آمیز علت پرخاشگری سایبری هستند. با این حال، یافته‌های تحقیقات نشان می‌دهد که در حالی که بازی‌های ویدیویی خشونت‌آمیز می‌توانند تمایل فرد را به رفتار پرخاشگرانه سایبری افزایش دهند، چنین بازی‌هایی اغلب حاوی عناصر رقابتی نیز هستند. بنابراین، محققان پیشنهاد می‌کنند که خشونت تنها عامل مؤثر بر پرخاشگری سایبری نیست؛ رقابت نیز ممکن است در وقوع آن نقش داشته باشد بر این اساس، فرضیه رقابتی مطرح شد که استدلال می‌کند بازی‌های ویدیویی خشونت‌آمیز، رفتار پرخاشگرانه سایبری را نه به دلیل محتوای خشونت‌آمیزشان، بلکه به دلیل ماهیت رقابتی ذاتی چنین بازی‌هایی، القا می‌کنند. در مقابل، بازی‌های غیرخشونت‌آمیز معمولاً غیر رقابتی هستند (چن و همکاران^۶، ۲۰۲۵: ۳).

پرخاشگری به هر رفتاری اطلاق می‌شود که با هدف آسیب رساندن به فرد دیگری که برای اجتناب از این رفتار آسیب‌زا انگیزه دارد، انجام می‌شود (گوتیرز-کوبو و همکاران^۷، ۲۰۲۳). رفتار پرخاشگرانه ناشی از ادغام سه مرحله است: (۱) ورودی‌ها: شامل عوامل شخصی (مثلاً ویژگی‌های شخصیتی، جنسیت) و موقعیتی (مثلاً تحریک)؛ (۲) مسیرها: که به حالت درونی فرد متشکل از برانگیختگی (مثلاً برانگیختگی بالا)، شناخت (مثلاً خصومت) و عواطف (مثلاً خشم) اشاره دارد؛ و در نهایت، (۳) پیامدها: ارزیابی فرد از موقعیت، که تصمیم نهایی در مورد اینکه آیا باید پرخاشگرانه

4. Becher

5. Ferguson and et al.

6. Chen and et al.

7. Gutierrez-Kubo & al.

عمل کرد یا خیر را تعیین می‌کند، که تحت تأثیر حالت درونی ایجاد شده قبلی است. پرخاشگری یک مفهوم چندبعدی است که از تعامل پیچیده بین عواملی که بیولوژیکی، روانی، اجتماعی و فرهنگی هستند، ناشی می‌شود. پرخاشگری به عنوان رفتارهای عمدی طراحی شده برای آسیب رساندن به شخص دیگر توصیف می‌شود. پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و تهدید چهار مؤلفه پرخاشگری هستند. پرخاشگری و خصومت اغلب از رفتارهای آرام و ظاهراً سهوی به اقدامات خشونت‌آمیز، خونسردانه و با دقت برنامه‌ریزی شده نسبت به هدف پرخاشگری تبدیل می‌شود.

رفتار پرخاشگرانه انگیزه دارد و اغلب به منظور آسیب رساندن به دیگران یا خود فرد از نظر جسمی انجام می‌شود. سوءاستفاده کلامی، اجبار، ارباب و شیوه‌های مدیریتی مخرب برخی از این اقدامات هستند که می‌توانند اثرات روانی منفی بر افراد داشته باشند. رفتار پرخاشگرانه اغلب به شکل طرد اجتماعی برنامه‌ریزی شده دیگران صورت می‌گیرد. همچنین نباید اثرات چنین رفتارهایی بر لذت، عزت نفس و جایگاه اجتماعی افراد را بیش از حد ارزیابی کرد. در سال‌های اخیر، افزایش قابل توجهی در پرخاشگری مشاهده شده است، به طوری که جوامع به کانون انواع حوادث خشونت‌آمیز تبدیل شده‌اند. این روند نگران‌کننده، نگرانی‌هایی را در بین مربیان، مدیران و جامعه گسترده‌تر ایجاد کرده است. آنچه به ویژه نگران‌کننده است، شیوع خصومت در بین آن‌ها است، همان‌طور که در مطالعات متعدد نشان داده شده است، در حوزه پرخاشگری، خصومت به عنوان یک حوزه برجسته ظاهر می‌شود که منعکس‌کننده جنبه‌ای نگران‌کننده از رفتار دانشجویان است. هدف کلی تحقیق، بررسی عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با رفتارهای پرخاشگرانه در شهر کرمانشاه می‌باشد و به دنبال دستیابی به پاسخ این سؤالات هستیم: گرایش به رفتار پرخاشگرانه در شهر کرمانشاه تا چه میزان است؟ چه رابطه‌ای بین فضای عاطفی خانواده، تأثیر دوستان، جهت‌گیری‌های مذهبی و محرومیت نسبی با رفتار پرخاشگرانه جوانان در شهر کرمانشاه وجود دارد؟

چارچوب نظری پژوهش

در بعد نظری، تبیین‌های نظری اثباتی و ساختارگرایی بر متغیرهایی چون زمینه‌های ساختاری، فشار و کنترل‌های سیاسی، دسترسی به منابع و وجود مسیرها و فرصت‌های تازه‌ای که کنش‌های اجتماعی را تسهیل می‌نماید، تأکید دارند. تبیین‌های نظری در دو بعد قابل بررسی و ارائه هستند؛ گروه اول روانشناسی و گروه دوم جامعه‌شناسی هستند.

الف - دیدگاه‌های روانشناسی

زیگموند فروید، بنیان‌گذار روانکاوی، در طول دوران حرفه‌ای خود، دو دیدگاه متفاوت دربارهٔ پرخاشگری ارائه داد. او در نظریه‌های اولیه خود، پرخاشگری را واکنشی به ناکامی می‌دانست؛ به این معنا که وقتی فرد در مسیر کسب لذت یا اجتناب از درد با مانع مواجه می‌شد، پرخاشگری به‌عنوان نخستین واکنش ظاهر می‌شد. با این حال، نقطه عطف در اندیشه فروید، سال ۱۹۲۰ و انتشار کتاب "فراتر از اصل لذت" بود. او در این اثر، مفهوم انقلابی «غریزه مرگ»^۸ را مطرح کرد. بر اساس این دیدگاه، انسان‌ها دارای یک گرایش فطری به‌سوی خودتخریبی و بازگشت به حالت بی‌جان هستند. اما از آنجا که این نیروی مرگ‌خواهانه برای بقای فرد تهدیدآمیز است، از طریق مکانیسم‌هایی، به‌سوی بیرون هدایت می‌شود و به‌صورت پرخاشگری علیه دیگران بروز می‌کند. فروید در کتاب "تمدن و ملالت‌های آن" (۱۹۳۰)، این نظریه را بسط داد و توضیح داد که تمدن بشری بر پایهٔ سرکوب این غریزهٔ مرگ استوار است. او استدلال کرد که وقتی پرخاشگری به‌سوی خود معطوف می‌شود (درون‌فکنی)، می‌تواند به افسردگی منجر شود. از این منظر، پرخاشگری نه یک رفتار انتخابی، بلکه یک نیروی اجتناب‌ناپذیر در ساختار روانی انسان محسوب می‌شود که تنها می‌توان آن را کنترل یا جهت‌دهی کرد، اما نمی‌توان ریشه‌کن کرد (فروید، ۱۹۲۲).

در اواخر دههٔ ۱۹۳۰، گروهی از روانشناسان دانشگاه ییل به رهبری جان دالرد، نظریهٔ معروف «فرضیهٔ ناکامی-پرخاشگری» را ارائه دادند که در تقابل آشکار با دیدگاه غریزی فروید، ریشهٔ پرخاشگری را در عوامل محیطی جستجو می‌کرد. آن‌ها ناکامی را به‌عنوان شرایطی که مانع از رسیدن فرد به یک هدف مورد انتظار می‌شود، تعریف کردند و مدعی شدند که: (۱) هر ناکامی، یک انگیزه برای پرخاشگری ایجاد می‌کند و (۲) هر رفتار پرخاشگرانه، پیش‌فرض وجود ناکامی است. این ادعای جسورانه خیلی زود با نقد مواجه شد. میلر^۹ در سال ۱۹۴۸ بخش اول نظریه را تعدیل کرد و گفت که ناکامی می‌تواند واکنش‌های متنوعی ایجاد کند (از جمله کناره‌گیری و افسردگی)، اما هرچه محرومیت ادامه پیدا کند، انگیزهٔ پرخاشگری تقویت می‌شود. با این حال، بخش دوم نظریه (همهٔ پرخاشگری‌ها ریشه در ناکامی دارند) امروزه به‌طور گسترده رد شده است؛ زیرا مشخص شده که پرخاشگری می‌تواند هدف‌محور و ابزاری باشد (مثلاً برای کسب تأیید اجتماعی) و لزوماً ناشی از ناکامی نباشد (میلر، ۱۹۴۸).

^۸. Thanatos

^۹. Freud

^{۱۰}. Miller

برکویتز^{۱۱} نیز این نظریه را با افزودن نقش نشانه‌های محرک بسط داد. او نشان داد که ناکامی فقط یک برانگیختگی عمومی ایجاد می‌کند که در صورت وجود محرک‌های مرتبط با خشونت (مانند دیدن اسلحه یا صحنه‌های خشونت‌آمیز)، به پرخاشگری تبدیل می‌شود (برکویتز، ۱۹۸۹). همچنین روانشناسان ارزیابی‌گر^{۱۲} بعدها نشان دادند که صرفاً ناکامی منجر به پرخاشگری نمی‌شود، مگر اینکه فرد، مانع ایجادشده را به‌عنوان تهدیدی برای خودپنداره، کاری نادرست یا ناشی از یک عامل بیرونی تلقی کند (دالرود و همکاران^{۱۳}، ۱۹۳۹).

بر اساس نظریه لورنس^{۱۴} (۱۹۷۵)، ریشه و علت جنگ میان انسان‌ها در معجون‌ی از خمیره و سرشتی است که به طور یکسان میان انسان و حیوان نهفته است. غریزه پرخاشگری بخشی از تکامل و تکوین طبیعی است که در نهاد بشر به ودیعه نهاده شده است. بر اساس این نظریه، ویژگی‌های جنگ‌طلبی و پرخاشگری از آغاز تاریخ تکامل انسانی، در نهاد بشر به ودیعه نهاده شده است. ضایعاتی که انسان‌ها را تهدید می‌کند نه از این میراث، بلکه از رهایی و قیمت فرهنگ بشری از قوانین تکامل نشأت می‌گیرند. نظریه مرتبط به غریزه پرخاشگری به عقاید فروید و آدلر^{۱۵} بر می‌گردد که معتقد هستند در ذات غریزه انسان تمایل به نابود کردن خود و خودکشی و مرگ (فروید) یا تمایل به کسب قدرت وجود دارد. حتی در نگرش جدیدی هم که عنوان شده است (مثل نظریات لورنس و دالر)، تصور نوعی توان و نیروی تهاجمی مرموزی که توسط فعل و انفعالات درونی یا برونی می‌تواند فعال شود، پذیرفته شده است. می‌یر، محدوده تنازع در سیستم اجتماعی را در ارتباط با معیارهای ارزش‌گذاری فرهنگ می‌داند، زیرا به کمک معیار ارزش‌گذاری فرهنگ، رفتار به معنای علم و حتی رفتار مبتنی بر رقابت نیز تا حدی قابل پیش‌بینی و محاسبه می‌شود و بنابراین هم انواع تضادها و هم رقابت‌های خصمانه انسان به وسیله فرهنگ تحت نظم خاص در می‌آید (همان: ۱۹).

به تعبیر دیگر، انسان با گذر از مرحله زیستی-اجتماعی رفتار، به مرحله روانی-اجتماعی وارد شد که در این مرحله پدیده‌های فرهنگی و معنوی اولویت دارند. موضوع دیگری که در حوزه نزاع وجود دارد، زورگویی است که رفتاری بر سر راه تکامل جسمی و روحی برخی افراد مانع ایجاد می‌کند. دنیسون^{۱۶} (۲۰۱۵)، در مطالعه چهار مداخله روانشناختی امیدوارکننده برای

^{۱۱} . Berkowitz

^{۱۲} . Appraisal Theorists

^{۱۳} . Dollard, and et al.

^{۱۴} . Lawrence

^{۱۵} . Adler

^{۱۶} . Denson

کاهش پرخاشگری واکنشی، به این نتیجه رسید که ارزیابی مجدد شناختی، آموزش خودکنترلی، آموزش کنترل شناختی و ذهن آگاهی، چهار مداخله کاهش پرخاشگری هستند. یکی از چارچوب‌های نظری که بر نقش تنظیم هیجان در خشم و پرخاشگری تمرکز داشته است، توسط روبرتون و کالیگوس^{۱۷} بیان شده است. آن‌ها استدلال می‌کنند که پرخاشگری ناشی از تنظیم ناسازگارانه عواطف منفی و به ویژه خشم است. بر اساس این دیدگاه، طیفی از «سبک‌های» تنظیم هیجان ناسازگار وجود دارد که زیربنای پرخاشگری هستند و از کم‌تنظیمی هیجان تا بیش‌تنظیمی هیجان را در بر می‌گیرند. کم‌تنظیمی هیجان به شکست در تنظیم عواطف منفی (مثلاً خشم) به شیوه‌ای کافی برای حفظ رفتار هدفمند اشاره دارد (پاپ و همکاران، ۲۰۲۵).

ب- دیدگاه جامعه‌شناسی

از دیدگاه جامعه‌شناختی، آنچه مهم‌تر از عوامل فردی در گرایش به پوشش‌های متفاوت می‌باشد، عوامل اجتماعی- فرهنگی است. جامعه‌شناسی علل ارتکاب جرم را در وضع نابسامان اجتماعی و اقتصادی می‌داند. جامعه‌شناسان معتقدند که هیچکس بالفطره منحرف و بزهکار نیست و در واقع فرد مقصر نیست بلکه اوضاع اقتصادی و شرایط نامساعد اجتماعی عامل ارتکاب انحراف است. نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و شکاف عمیق در جامعه، بیکاری، از بین رفتن و تغییر ارزش‌ها و رشد صنعت اگر در جامعه‌ای به سرعت افزایش یابد و درآمد ناشی از این ثروت‌ها عادلانه توزیع نگردد و از طرف دیگر در آن جامعه برای تفریح، شادی و گذران اوقات فراغت و بیکاری جوانان از طرف دولت برنامه‌ریزی‌های اجتماعی نشده باشد و رشد صنعت و شهرنشینی و شکاف طبقات را زیاد کند، همه این عوامل باعث گرایش به انحراف از هنجارها و قوانین مدنی و حقوقی می‌شود (فرجاد، ۱۳۷۱: ۱۵۵). جامعه‌شناسان توجه بیشتری به نیروهای اجتماعی خارجی، مانند تربیت سخت‌گیرانه والدین و هنجارهای گروهی دارند. دانشمندان ارتباطات بیشتر به محیط شبکه، از جمله جنبه‌هایی مانند ناشناس بودن و قرار گرفتن در معرض خشونت توجه دارند. با این حال، این نتایج تحقیقات مبتنی بر یک دیدگاه یا فرضیه واحد بودند.

جامعه‌شناسان در تبیین علت‌های رفتار انحراف آمیز بر حسب اجتماعی شدن ناقص، رهیافت‌های گوناگونی را در پیش گرفته‌اند. برابر با یکی از این رهیافت‌ها، فردی که درست اجتماعی نشده است، هنجارهای فرهنگی را در شخصیت خود عین نمی‌سازد و برای همین نمی‌تواند میان رفتار شایسته و رفتار ناشایسته تمایز گذارد. بنابر رهیافت دوم، فرد منحرف، نخست باید منحرف شدن را یاد بگیرد. جامعه‌شناسان معتقدند که بسیاری از صورت‌های رفتار انحراف‌آمیز

¹⁷ . Robertson and colleagues

از شخصی به شخص دیگر انتقال می‌یابند و این فراگرد آموزشی نیز همان مکانیسم‌های فراگردهای آموزشی دیگر را دارد. رهیافت سوم، انحراف را نتیجه‌ی نارسایی‌های موجود در یک فرهنگ و ساختار اجتماعی یک جامعه می‌داند.

دیدگاه مقایسه اجتماعی فستینگر^{۱۸}، به فرآیند مقایسه‌ی خود با دیگران برای کسب اطلاعات مهم در مورد خود اشاره دارد که شامل مقایسه‌های رو به پایین و رو به بالا می‌شود (جین و کوی، ۲۰۱۳). در محیط‌های دیجیتال، مقایسه‌ی اجتماعی به راحتی فعال می‌شود. تمایل به مقایسه‌ی اجتماعی ممکن است عامل مهمی در تحریک پرخاشگری سایبری باشد. فستینگر (۱۹۵۴) پیشنهاد کرد که افراد توانایی‌ها و ویژگی‌های خود را از طریق مقایسه با دیگران ارزیابی می‌کنند. محیط‌های دیجیتال دامنه و فراوانی این مقایسه‌ها را افزایش می‌دهند، زیرا کاربران بیشتر در معرض دیگران «ایده‌آل» قرار می‌گیرند و در نتیجه مقایسه‌ی اجتماعی رو به بالا را تشدید می‌کنند. مقایسه‌ی اجتماعی رو به بالا می‌تواند حسادت، ناامیدی یا حقارت را برانگیزد که ممکن است افراد را به سمت تسکین این احساسات از طریق پرخاشگری سوق دهد.

وقتی مقایسه‌ی اجتماعی، عزت نفس را تهدید می‌کند، افراد ممکن است برای بازیابی عزت نفس به تحقیر دیگران (مثلاً نظرات مخرب) متوسل شوند. مقایسه‌ی اجتماعی رو به پایین همچنین می‌تواند پرخاشگری را تحریک کند، زیرا افراد برای تقویت برتری خود به دیگران که پایین‌تر تلقی می‌شوند حمله می‌کنند (کو و همکاران^{۱۹}، ۲۰۱۴). گروه‌های خاصی در محیط‌های دیجیتال بیشتر مستعد مقایسه‌ی اجتماعی هستند و رفتارهای پرخاشگرانه را تشدید می‌کنند. به عنوان مثال: کاربرانی که به صورت عمدی، یک "شخصیت بی‌نقص" را برای خود انتخاب می‌کنند، نسبت به مقایسه حساس‌تر هستند. افرادی که عزت نفس پایینی دارند، به دلیل مقایسه‌ی اجتماعی، بیشتر احتمال دارد پرخاشگری نشان دهند (لی و همکاران^{۲۰}، ۲۰۲۳). این فرآیند، خودارزیابی‌های منفی (مثلاً تصویر بدنی ضعیف) و حسادت را تقویت می‌کند و منجر به رفتارهای مخرب اجتماعی یا پرخاشگرانه می‌شود. علاوه بر این، ناشناس بودن آنلاین و اثر بازداری‌زدایی، محدودیت‌های رفتاری را کاهش می‌دهد و پرخاشگری را تسهیل می‌کند. استفاده‌ی غیرفعال از رسانه‌های اجتماعی مانند اضافه بار اطلاعات یا قرار گرفتن در معرض «پایله‌های اطلاعاتی» نیز می‌تواند احساسات منفی را افزایش دهد (کراسنوا و همکاران^{۲۱}، ۲۰۱۵).

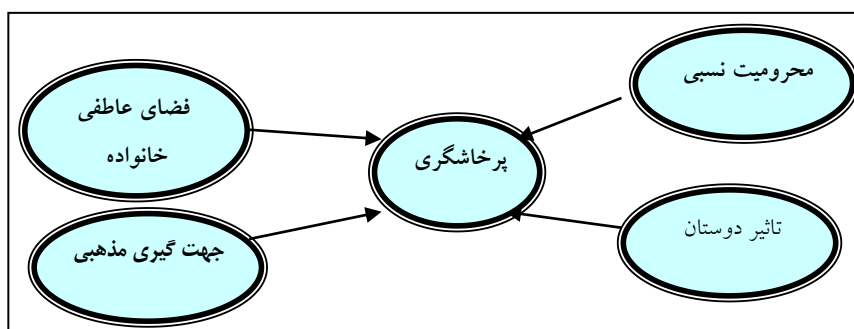
¹⁸ . Festinger

¹⁹ . Kou and et al.

²⁰ . Lei and et al.

²¹ . Krasnova and et al.

تبیین‌های نظری از نوع تعامل‌گرایی، ریشه‌های رفتارهای پرخاشگری را در شخصیت کنشگران اجتماعی جستجو می‌کند. آن‌ها بر روی متغیرهایی چون حاشیه‌ای شدن و احساس محرومیت به خصوص محرومیت نسبی تأکید می‌نمایند. وقتی که میزان نارضایتی و ناکامی در میان اعضای جامعه صورت حاد و فزاینده پیدا کند، به خصوص وقتی که نارضایتی با فرآیند مقایسه اجتماعی همراه باشد، اعضای جامعه آمادگی ورود به جنبش‌های اجتماعی پیدا می‌کند. آن‌ها از طریق این رفتارهای پرخاشگری درصدد تغییر وضعیت خود هستند. این نظریه‌پردازان روی گزاره‌هایی چون انقلاب‌ها در شرایط محرومیت مطلق تأکید ندارند، بلکه در شرایط محرومیت نسبی ظهور می‌یابند (غفاری، ۱۳۸۴: ۱۵۲). بنابر ایده جامعه‌شناسان تعامل گرا، آنچه که ما جامعه می‌نامیم، ریشه در کنش مشخص افراد دارد. این کنش‌ها در وضعیت‌های خاص و اغلب با الگویی معین به منصفه ظهور می‌رسند.



نمودار شماره یک-مدل نظری تحقیق

پیشینه پژوهش

عزیزیان کهن و همکاران (۱۴۰۳) مطالعه‌ای با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر کاهش رفتارهای پرخاشگرانه مربیان فوتبال لیگ برتر ایران» انجام دادند. عوامل مؤثر بر کاهش رفتارهای پرخاشگرانه مربیان فوتبال لیگ برتر ایران، ۸۲ مضمون فرعی در قالب ۱۰ مضمون اصلی توسعه ابعاد فردی، توسعه ابعاد روانی، توسعه ابعاد میان فردی، توسعه ابعاد محیطی، توسعه ابعاد مالی، توسعه ابعاد مربیگری، بهبود مدیریت تعارض و استرس، توسعه آموزش و آگاهی، توسعه عملکرد باشگاه‌ها و توسعه عملکرد فدراسیون می‌باشد.

عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)، مطالعه‌ای با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر پرخاشگری در بین تماشاگران فوتبال» انجام دادند. نتایج نشان داد که کاهش خشونت و

پرخاشگری در بستر خانواده و رسانه‌های جمعی و افزایش کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی نقشی اساسی در جلوگیری و کاهش پدیده‌ی پرخاشگری در بین تماشاگران فوتبال ایفا می‌نماید. حقیقی سیس و همکاران (۱۴۰۲)، مطالعه‌ای با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر پرخاشگری در دانش‌آموزان و تأثیر آن بر وضعیت تحصیلی انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد که خشونت رفتاری در همه‌ی کشورها مشاهده می‌شود و تعداد قربانیان آن هم افزایش می‌یابد و موجب اضطراب مردم و احساس ناامنی آن‌ها به ویژه گروه‌های ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر می‌شود. صنعت‌خواه و بحرینی‌نژاد (۱۴۰۰) مطالعه‌ای با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر پرخاشگری در بین دانش‌آموزان» انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد که روابط نامناسب بین اعضای خانواده، تأثیر مثبتی بر پرخاشگری دانش‌آموزان دارد همچنین ۴/۴ درصد از تغییرات روابط نامناسب بین اعضای خانواده و ۳۲ درصد از تغییرات متغیر پرخاشگری بر اساس متغیرهای مستقلی که وارد مدل شده‌اند، مورد تبیین قرار گرفته است.

پاپ و همکاران^{۲۲} (۲۰۲۵) در مطالعه‌ای با عنوان «راهبردهای تنظیم خشم و هیجان: یک متاآنالیز» با روش سیستماتیک انجام دادند. نتایج نشان داد که ارتباط مثبت و معناداری بین خشم و راهبردهای تنظیم (اجتناب، نشخوار فکری و سرکوب) وجود نداشت. چن و همکاران^{۲۳} (۲۰۲۵) مطالعه‌ای با عنوان «خشونت‌آمیز یا رقابتی؟ بررسی رفتار پرخاشگرانه‌ی سایبری نوجوانان در متن، ویدیو و بازی» انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد پرخاشگری کلامی در شرایط رقابتی، پرخاشگری سایبری قوی‌تری را نسبت به روش‌های فیزیکی تحریک می‌کرد. بچنر و همکاران^{۲۴} (۲۰۲۵) مطالعه‌ای با عنوان «رفتار پرخاشگرانه و جایگاه اجتماعی: آزمون تجربی مدل پرخاشگری عمومی» انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد که تحریک عمدی، احتمال نادیده گرفتن تحریک را کاهش می‌دهد، در حالی که واکنش‌های کلامی یا پرخاشگرانه محتمل‌تر می‌شوند. این اثرات توسط وضعیت درونی فرد تحریک‌شده میانجی‌گری می‌شوند. وضعیت اجتماعی بالاتر فرد تحریک‌کننده منجر به وضعیت درونی مستعدتر به پرخاشگری شد.

دوا شانتی و مورنو^{۲۵} (۲۰۲۳) مطالعه‌ای با عنوان «عوامل گسترش رفتار پرخاشگرانه در میان کودکان مهد کودک از دیدگاه معلمان آن‌ها در اورشلیم شرقی» انجام دادند. یافته‌ها نشان می‌دهد دلایل خانوادگی تأثیر زیادی بر رفتارها و اعمال پرخاشگرانه‌ای دارد که برخی از کودکان در مهدکودک‌ها انجام می‌دهند و عوامل اجتماعی، مانند فقدان مهارت‌های اجتماعی کودک، تأثیر قابل

²² . Pop and et al.

²³ . Chen and et al.

²⁴ . Becher and et al.

²⁵ . Dua Shanti and Moreno

توجهی بر رفتارها و ابراز پرخاشگری کودک دارند. گوتیرز-کوبو و همکاران^{۲۶} (۲۰۲۳) مطالعه‌ای با عنوان «راهبردهای تنظیم هیجان و پرخاشگری در جوانان: نقش واسطه‌ای عاطفه منفی» انجام دادند. نتایج نشان دادند که استفاده بیشتر از استراتژی ارزیابی مجدد شناختی با سطوح پایین‌تر پرخاشگری (برای پرخاشگری کلی، فیزیکی و خشم) همبستگی دارد.

کوژیینگل و کوتیان^{۲۷} (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان «مروری سیستماتیک بر مداخلات برای کاهش رفتار پرخاشگرانه در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم» انجام دادند. یافته‌ها ارتباط روشنی بین توانایی‌های خودکنترلی و رفتار پرخاشگرانه نشان می‌دهد. افرادی که خودکنترلی بیشتری دارند، پرخاشگری کمتری دارند، در حالی که افرادی که خودکنترلی کمتری دارند، پرخاشگری بیشتری دارند. رومرو لویز و همکاران^{۲۸} (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان «سنجش اثربخشی یک برنامه بر بهبود کنترل مهارتی و عاطفی در بین کودکان» انجام دادند. نتایج نشان دادند که کودکان گروه آزمایش در مقایسه با همسالان خود در گروه کنترل، امتیاز بالاتری در کنترل مهارتی و عاطفی کسب کردند. جانی و همکاران^{۲۹} (۲۰۱۸) مطالعه‌ای با عنوان «مدل پرخاشگری عمومی^{۳۰}» انجام دادند. نتایج نشان داد که محیط مدرسه، محیط خانه، عوامل فردی و بین فردی، همگی در پرخاشگری نقش دارند. در نتیجه، هنگام ایجاد و اجرای مداخلات موفق برای بهبود سلامت روان این جمعیت، باید عناصر مؤثر در نظر گرفته شوند.

به‌طور کلی، در اکثر مطالعات انجام شده، خشونت به عنوان محرک اصلی پرخاشگری سایبری نوجوانان، به ویژه هنگام تعامل با تمایلات فردی، پدیدار شد، در حالی که زمینه‌های رقابتی به‌طور ویژه با پاسخ‌های پرخاشگرانه کلامی مرتبط بودند. این یافته‌ها بر نیاز به مداخلات خاص هر زمینه با هدف قرار دادن محتوای رسانه و تمایلات شخصی برای کاهش رفتار پرخاشگرانه سایبری تأکید می‌کند. این مطالعه بینش‌هایی در مورد چگونگی تعامل جایگاه اجتماعی با محرک‌های موقعیتی در شکل‌گیری رفتار پرخاشگرانه ارائه می‌دهد و درک پویایی‌های پرخاشگری را در سلسله مراتب اجتماعی گسترش می‌دهد.

فرضیات تحقیق

- ۱- بین محرومیت نسبی و رفتار پرخاشگری جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۲- بین گرایش‌های دینی و رفتار پرخاشگری جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

^{۲۶} . Gutiérrez-Cobo

^{۲۷} . Kuzhiyengal and Kotian

^{۲۸} . Romero-López and et al.

^{۲۹} . Johnie

^{۳۰} . (GAM

۳- بین تأثیر دوستان و رفتار پرخاشگری رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

۴- بین فضای عاطفی خانواده و رفتار پرخاشگری رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

روش تحقیق

در این تحقیق، محقق بر اساس یک چهارچوب قاعده مند حرکت می‌کند، سعی در سنجش یک واقعیت معینی دارد، روی متغیرها متمرکز است و همچنین از بیرون یک جریان اجتماعی را مطالعه می‌کند، رویکرد مقتضی آن، رویکرد کمی می‌باشد. به اقتضای موضوع تحقیق و با توجه به امکانات، روش پیمایش به منزله‌ی مناسب‌ترین روش برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر قرار گرفت. به خاطر اینکه پرسشنامه بهتر می‌تواند معرف‌های درجه آخر هر یک از مفاهیم و متغیرها را بسنجد، تا به وسیله‌ی آن، گفتارهای نظری و خود آن تئوری را به صورت تجربی بررسی کند. جامعه‌ی آماری در این مطالعه شهروندان بالای ۲۰ سال شهر کرمانشاه می‌باشند. ب برآورد حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار SPSS، در مسیر تحلیل توان^{۳۱} اقدام گردید. با توجه به پیش‌فرض‌های مربوط به نمونه‌گیری احتمالی (سطح اطمینان، توان آزمون، حجم اثر و تعداد متغیرهای درگیر در تحلیل) حجم نمونه‌ی آماری تعداد ۴۰۰ نفر مشخص گردید. حجم نمونه به دست آمده در این مطالعه با پیش‌فرض ۰/۰۳ برای آلفا، ۰/۸۰ برای توان و در مقابل ۰/۱۵ برای مقدار بتا (خطای نوع دوم)، انحراف معیار ۲/۵ و همبستگی نمرات برابر ۰/۱۵ به دست آمده است. در مرحله‌ی اول با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای با توجه به همگنی نسبی شهر کرمانشاه، خوشه‌های مطالعاتی مشخص شدند. به این صورت که ابتدا شهر به پنج خوشه (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) تقسیم‌بندی شدند و هرکدام از آن‌ها به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شدند. سپس، نمونه‌گیری در داخل هر یک از خوشه‌ها انجام شد. در مرحله‌ی دوم، فهرستی از محلات هر منطقه تهیه شد و در هر منطقه، یک محله به صورت تصادفی انتخاب شد. در مراجعه به محلات، به علت عدم وجود لیست اسامی و تعداد افراد ۲۰ تا ۶۵ سال در آن محله، از افراد در دسترس استفاده شد.

متغیر وابسته

پر خاشگری: رفتاری است که با قصد صدمه رساندن جسمی یا زبانی به فرد دیگر یا نابود کردن دارایی افراد صورت می‌گیرد. در این تحقیق از پرسشنامه ۳۰ سؤالی پر خاشگری (AGQ) برای

³¹. Power

سنجش رفتار پرخاشگرانه جوانان استفاده شد که با استفاده از طیف ۵ درجه ای لیکرت، ۱۴ سؤال آن خشم، ۸ سؤال، تهاجم و ۸ سؤال، عامل کینه توزی را می‌سنجد.

محرومیت نسبی: محرومیت نسبی به عنوان تصور وجود تفاوت بین انتظارات ارزشی انسان‌ها و توانایی‌های ارزشی آن‌ها تعریف می‌شود. به عبارتی محرومیت نسبی به برداشت بازیگران از وجود اختلاف بین انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی تعریف می‌شود (گار، ۱۳۷۷: ۸۰). در این تحقیق احساس محرومیت نسبی بین جوانان، با شاخص‌هایی مانند امکانات رفاهی (غذا، مسکن، خدمات بهداشتی و آسایش مادی)، قدرت (تمایل به مشارکت در تصمیم‌گیری جمعی، رأی دادن، شرکت در رقابت سیاسی و عضویت در گروه‌های سیاسی) و ارزش‌های بین‌الاشخاصی (رضایت روانی، احترام و عاطفه) سنجیده شدند.

جهت‌گیری‌های مذهبی: عبارت است از اعتقاد به قوای لاهوتی و ماوراءطبیعه و رعایت یک سلسله قواعد اخلاقی در زمینه، ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی در جهت تقریب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح (کتابی و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۱۷۲). در این تحقیق جهت‌گیری‌های مذهبی در دو بعد جهت‌گیری درون دینی و برون دینی با ۱۰ گویه بر اساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت سنجیده شدند.

جدول شماره یک- نتایج آزمون‌های آماری در تحلیل عاملی

نام متغیر	کیزر-مایر ^{۳۲}	بارتلت ^{۳۳}	درجه آزادی	معناداری	گویه	آلفا
رفتار پرخاشگری	۰/۷۹	۱۹۸۷/۱۲	۴۳۵	۰/۰۰۰	۳۰	۰/۸۹
گرایش‌های دینی	۰/۸۳	۳۴۲/۲۲	۱۵	۰/۰۰۰	۷	۰/۸۲
محرومیت نسبی	۰/۷۳	۲۲۳/۱۹۸	۲۱	۰/۰۰۰	۶	۰/۷۵
تأثیر دوستان	۰/۷۶	۳۵۳/۵۱۷	۱۵	۰/۰۰۰	۸	۰/۷۹
فضای عاطفی خانواده	۰/۶۷	۲۹۰/۳۷۹	۳۶	۰/۰۰۰	۶	۰/۷۷

نتایج و یافته‌های تحقیق

داده‌های تحقیق حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که توسط ۴۰۰ نفر شهروند کرمانشاه تکمیل گردیده و با استفاده از بسته نرم افزار آماری برای علوم اجتماعی^{۳۴} مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد از ۳۸۵ نفر نمونه آماری لحاظ شده در این پژوهش، ۵۱/۴ درصد افراد گزینش شده برای نمونه آماری این تحقیق به پسران و ۴۸/۶ درصد به دختران

^{۳۲} . KMO

^{۳۳} . Bartlet Test

^{۳۴} .Statistical Package for Social Science (SPSS)

اختصاص داشته است. ۹۷ نفر از پاسخگویان شاغل و ۲۷۰ نفر غیرشاغل بوده است. در مفهومی دیگر، ۲۵/۲ درصد افراد گزینش شده برای نمونه آماری این تحقیق به شاغلین و ۷۰/۱ درصد به غیرشاغلین اختصاص داشته است. ۶۴/۹ درصد آن‌ها در خانه‌های شخصی، ۲۱/۶ درصد در خانه‌های اجاره‌ای، ۲/۱ درصد در خانه‌های سازمانی و کمتر از ۵/۲ درصد آن‌ها در سایر خانه‌ها به سر می‌برند. ۲۹۹ نفر از پاسخگویان مجرد و تنها ۸۶ درصد از آن‌ها متأهل می‌باشند. از طرفی هم داده‌های جدول نشان می‌دهد که ۷۷/۷ درصد آن‌ها مجرد و ۲۲/۳ درصد از آن‌ها متأهل بوده‌اند.

جدول شماره ۲، نشان دهنده وضعیت میانگین نمره پاسخگویان از متغیر رفتار پرخاشگری و هر یک از مراحل سه گانه آن را نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان می‌دهد که میانگین نمره پرخاشگری برای افراد مورد مطالعه برابر ۷۳/۴۴ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۳۰ تا ۱۴۰) در حد بالایی است و بیانگر وجود تمایل به رفتارهای پرخاشگری است. شاخص دیگر، بعد تهاجم می‌باشد. میانگین نمره این متغیر برای افراد مورد مطالعه برابر ۱۶/۹۳ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۸ تا ۳۲) در حد متوسط و پایین است. شاخص سوم، کینه‌توزی است که میانگین نمره آن برای افراد مورد مطالعه برابر ۱۸/۳۳ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۸ تا ۳۲) در حد بالایی است و بیانگر وجود نوعی کینه توزی حاکم بر زندگی آن‌ها است.

جدول شماره دو-توزیع نسبی شاخص‌های رفتار پرخاشگری پاسخگویان

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
رفتار پرخاشگری	۳۸۵	۷۳/۴۴	۱۴/۱۵
بعد اول: خشم	۳۴۱	۳۸/۲۵	۷/۴۳
بعد دوم: تهاجم	۳۵۲	۱۶/۹۳	۴/۸۴
بعد سوم: کینه توزی	۳۶۳	۱۸/۳۳	۵/۳۹

جدول شماره ۳ نشان دهنده توزیع نسبی شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی پاسخگویان است که براساس طیف لیکرت سنجیده شده‌اند. شاخص اول نشان می‌دهد که میانگین نمره فضای عاطفی خانواده برابر ۲۶/۰۹ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۹ تا ۴۵) در حد پایینی است و بیانگر وجود نوعی فضای عاطفی ضعیف در خانواده است. شاخص بعدی نگرش‌های مذهبی است که میانگین نمره آن برابر ۱۳/۴۹ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۶ تا ۳۰) در حد پایینی است و بیانگر این مطلب است که میزان گرایش جوانان به ارزش‌های مذهبی ضعیف بوده است. شاخص بعدی، بیانگر تأثیر دوستان است که میانگین نمره این شاخص برابر ۱۷/۲۴ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۶ تا ۳۰) در حد متوسطی می‌باشد. شاخص دیگر در این مجموعه محرومیت نسبی در میان جوانان است که میانگین نمره

آن برابر ۲۲/۲۳ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۷ تا ۳۵) در حد بالایی قرار دارد. این آمار بیانگر این واقعیت است که بیشتر در جامعه احساس محرومیت نسبی می‌کنند.

جدول شماره سه-توزیع نسبی شاخص‌های اجتماعی اقتصادی پاسخگویان

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
تأثیر دوستان	۳۶۹	۱۷/۲۴	۵/۸۳
فضای عاطفی خانواده	۳۵۵	۲۶/۰۹	۵/۰۱
نگرش‌های مذهبی	۳۷۱	۱۳/۴۹	۵/۲۷
محرومیت نسبی	۳۶۰	۲۲/۲۳	۵/۶۵

جدول ۴، ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی و پرخاشگری را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی به دست آمده بین محرومیت نسبی و رفتار پرخاشگری برابر ۰/۳۳ بیانگر رابطه مثبت و مستقیم بین دو متغیر مذکور می‌باشد. ضریب همبستگی به دست آمده بین جهت‌گیری‌های مذهبی و رفتار پرخاشگری برابر ۰/۲۷- بیانگر رابطه منفی و معکوس بین دو متغیر مذکور می‌باشد، همبستگی به دست آمده بین تأثیر دوستان و رفتار پرخاشگری برابر ۰/۱۲ بیانگر رابطه منفی و معکوس بین دو متغیر مذکور می‌باشد، به این معنا که با افزایش یا کاهش درجه جهت‌گیری‌های مذهبی افراد، میزان شدت رفتار پرخاشگری در جوانان نیز افزایش یا کاهش می‌یابد. همبستگی فضای عاطفی خانواده و رفتار پرخاشگری برابر ۰/۲۷- بیانگر رابطه منفی و معکوس بین دو متغیر مذکور می‌باشد.

جدول شماره چهار-ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی و پرخاشگری

همبستگی	میانگین	انحراف معیار	همبستگی	معناداری
تأثیر دوستان	۱۷/۲۴	۵/۸۳	۰/۱۲	۰/۰۰۸
جهت‌گیری مذهبی	۱۳/۴۹	۵/۲۷	-۰/۲۷	۰/۰۰۳
محرومیت نسبی	۲۲/۲۳	۵/۶۵	۰/۳۳	۰/۰۰۰
فضای عاطفی خانواده	۲۶/۰۹	۵/۰۱	-۰/۲۷	۰/۰۰۰

جدول شماره ۵ ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی و بعد خشم از پرخاشگری را نشان می‌دهند. یافته‌های جدول نشان می‌دهند که چهار متغیر گرایش‌های مذهبی، محرومیت نسبی، فضای عاطفی خانواده و تأثیر دوستان با بعد خشم از رفتار پرخاشگری در ارتباط می‌باشد و این ارتباط بر اساس آزمون همبستگی پیرسون در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار هستند.

جدول شمارهٔ پنج-ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی و بعد خشم از پرخاشگری

همبستگی	میانگین	انحراف معیار	همبستگی	معناداری
تأثیر دوستان جهت‌گیری مذهبی محرومیت نسبی فضای عاطفی خانواده	۱۷/۲۴	۵/۸۳	۰/۱۵	۰/۰۲۲
	۱۶/۳۳	۴/۱۷	-۰/۲۸	۰/۰۰۰
	۲۲/۲۳	۵/۶۵	۰/۲۳	۰/۰۰۰
	۲۲/۵۸	۴/۹۸	-۰/۳۳	۰/۰۰۰

جدول شمارهٔ ۶ ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی و بعد تهاجم از پرخاشگری را نشان می‌دهند. یافته‌های جدول نشان می‌دهند که گرایش‌های مذهبی، محرومیت نسبی، فضای عاطفی خانواده و تأثیر دوستان با بعد تهاجم از رفتار پرخاشگری در ارتباط می‌باشد و این ارتباط بر اساس آزمون همبستگی پیرسون در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار هستند.

جدول شمارهٔ شش- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی و بعد تهاجم پرخاشگری

همبستگی	میانگین	انحراف معیار	همبستگی	معناداری
محرومیت نسبی گرایش‌های دینی تأثیر دوستان فضای عاطفی خانواده	۲۲/۲۳	۵/۶۵	۰/۲۷	۰/۰۰۰
	۱۳/۴۹	۵/۲۷	-۰/۲۰	۰/۰۰۰
	۱۷/۲۴	۵/۸۳	-۰/۱۱	۰/۰۰۳
	۲۶/۰۹	۵/۰۱	-۰/۱۳	۰/۰۰۱

جدول شمارهٔ ۷، ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی و بعد کینه توزی از پرخاشگری را نشان می‌دهند. یافته‌های جدول نشان می‌دهند که گرایش‌های مذهبی، محرومیت نسبی، فضای عاطفی خانواده و تأثیر دوستان با بعد کینه توزی از رفتار پرخاشگری در ارتباط می‌باشد و این ارتباط بر اساس آزمون همبستگی پیرسون در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار هستند.

جدول شماره هفت- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی و کینه توزی

همبستگی	میانگین	انحراف معیار	همبستگی	معناداری
تأثیر دوستان	۱۶/۳۳	۴/۱۷	-۰/۱۵	۰/۰۵
محرومیت نسبی	۲۲/۲۳	۵/۶۵	۰/۱۰۹	۰/۰۴
گرایش‌های دینی	۱۳/۴۹	۵/۲۷	-۰/۱۴	۰/۰۰۸
فضای عاطفی خانواده	۲۲/۵۸	۴/۹۸	-۰/۲۹	۰/۰۰۰

تحلیل رگرسیون چند متغیره

در تحقیق حاضر از آماره رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام استفاده شده است. در اینجا کل متغیرها وارد معادله شدند و متغیرهای فضای عاطفی خانواده، تأثیر دوستان، محرومیت نسبی و گرایش‌های دینی به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند، وارد معادله شده‌اند. اولین متغیر، فضای عاطفی خانواده می‌باشد. نتایج حاصله نشان می‌دهد که بین این متغیر و پرخطرگری همبستگی بالایی وجود دارد، به طوری که مقدار T برای این متغیر برابر $(۶/۴۳-)$ و ضریب معنی‌داری $(۰/۰۰۰)$ می‌باشد. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۲۹$ به دست آمده است. در مرحله دوم تأثیر دوستان وارد معادله شده است، مقدار T برای این متغیر برابر $(۴/۹۵-)$ و ضریب معنی‌داری $(۰/۰۰۰)$ می‌باشد. میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۳۵$ به دست آمده است. در گام سوم با وارد شدن سومین متغیر یعنی محرومیت نسبی مقدار T برای این متغیر برابر $(۱۹/۱۹)$ و ضریب معنی‌داری $(۰/۰۰۰)$ می‌باشد. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۳۹$ به دست آمده است. در گام چهارم با وارد شدن متغیر گرایش‌های دینی، مقدار T برای این متغیر برابر $(۲/۳۳-)$ و ضریب معنی‌داری $(۰/۰۲۳)$ می‌باشد. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۴۶$ به دست آمده است. کمیت F معنادار است، این مطلب گویای این است که حداقل یکی از متغیرهای مستقل در پیش‌بینی متغیر وابسته مؤثر است. پس باید تک تک متغیرها را با استفاده از T آزمود.

جدول شماره هشت- عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش‌بینی رفتار پرخطرگری

مرحله	متغیر	B	eta	مقدار T	معناداری	R	R^2
۱	فضای عاطفی خانواده	-۱/۲۰۶	-۰/۳۷	-۶/۳۳	۰/۰۰۰	۰/۴۸	۰/۲۹

۰/۳۵	۰/۵۸	۰/۰۰۰	-۴/۹۵	-۰/۳۳	-۱/۴۳	تأثیر دوستان	۲
۰/۳۹	۰/۶۲	۰/۰۰۰	۴/۱۹	۰/۲۸	۰/۵۷	محرومیت اجتماعی	۳
۰/۴۶	۰/۶۹	۰/۰۲۳	-۲/۳۳	-۰/۲۵	-۰/۳۲	گرایش های دینی	۴
۰/۰۰۰ Si g=۱۵/۳۴۶ F= ۸/۴۰۴Constant=							

(زیرا این مقادیر استاندارد شده و امکان مقایسه و تعیین سهم نسبی هر Beta بر اساس مقادیر یک از متغیرها را فراهم می‌سازد)، معادلهٔ رگرسیون چندمتغیره به این صورت می‌باشد:

$$Y = a + bx_1 + bx_2 + \dots + bx_n$$

رفتار پرخاشگری = ۰/۳۷ - (فضای عاطفی خانواده) + ۰/۲۹ - (تأثیر دوستان) + ۰/۲۵ (محرومیت نسبی) + ۰/۲۸ - (گرایش های دینی) + ei

بحث و نتیجه‌گیری

هر کسی شایستهٔ احساس امنیت و آرامش در جامعه است و مقابلهٔ مستقیم با خشونت و پرخاشگری از اهمیت بالایی برخوردار است. رفتارهای نگران‌کننده و پرخاشگری می‌تواند بر سلامت و ایمنی افراد جامعه تأثیر بگذارد. افرادی که رفتارهای پرخاشگرانه از خود نشان می‌دهند، در معرض خطر بیشتری برای پیامدهای نامطلوب مانند سقوط، آسیب‌دیدگی و پریشانی روانی هستند. درمان می‌تواند پیچیده‌تر باشد و منجر به افزایش مدت بستری، قطع یا کاهش مراقبت شود. این رفتارها همچنین می‌توانند منجر به افزایش استفاده از مداخلات محدودکننده، مانند مهار فیزیکی، مکانیکی و شیمیایی شوند که می‌تواند منجر به آسیب، تروما و آسیب به افراد شود.

یکی از عوامل مرتبط با پرخاشگری، نقش خانواده استاهمیت خانواده از این رو است که نه تنها محیط مناسبی برای همسران است بلکه وظیفهٔ جامعه‌پذیری و تربیت نسل‌های آتی را نیز برعهده دارد. درحال حاضر، خانواده‌ها دچار انواع آسیب‌پذیری و بحران هستند که برخی از آنها عبارتنداز: طلاق، اختلاف و تضادهای زناشویی، بدرفتاری با افراد مسن، خودکشی، کودک آزاری، کودکان فراری، پرخاشگری و خشونت زناشویی. این بحران‌ها موجب می‌شود که خانواده نتواند به عملکرد اساسی خویش یعنی تزریق عاطفه و وجدان اخلاقی به مجموعه عناصر خویش عمل

کند و هرگاه بنیان عاطفی و اخلاقی خانواده که از همبستگی میان اعضایش نشأت می‌گیرد متزلزل شود، تصور سایر آسیب‌های اجتماعی دور از ذهن نخواهد بود. خانواده‌هایی که در آن خشونت و پرخاشگری به وفور دیده می‌شود، فرزندی مستبد، بدون اعتماد به نفس و نابهنجار پرورش می‌دهند و خود بزرگسالان نیز در محیط کار، رفتارهای نابهنجار اجتماعی دارند و در مقایسه با دیگران از کارایی کمتری برخوردارند و درموردی به از کاربرکنارشدن آن‌ها منجر می‌شود، به علاوه این افراد منزوی شده، در روابط اجتماعی از خود تزلزل و عدم اطمینان نشان می‌دهند.

فضای عاطفی خانواده می‌تواند در کاهش خشم مؤثر باشد. یکی از مکانیسم‌های اساسی کارکردهای اجرایی، به توانایی افراد در کنترل احساسات، عواطف، افکار و رفتارشان اشاره دارد.

کنترل، مهار برای رشد اجتماعی کافی حیاتی است، زیرا افراد را قادر می‌سازد تا هنجارهای اجتماعی تثبیت‌شده را تنظیم، تطبیق و رعایت کنند. همچنین نقش مهمی در ایجاد روابط بین فردی مناسب و در فرآیند یادگیری ایفا می‌کند. کنترل مهار، پیش‌بینی‌کننده رفتارهای انطباقی در دوران کودکی است. با این حال، کودکانی که در کنترل مهار نقص دارند، ممکن است به دلیل مشکل در مهار رفتار نامناسب، در موقعیت‌های اجتماعی که نیاز به رفتار مشارکتی دارند، مشکلاتی را تجربه کنند. مشکلات در کنترل عاطفی به وجود مشکلات در عملکرد اجرایی در حوزه عاطفی اشاره دارد و شامل دشواری در کنترل واکنش‌های عاطفی در زمینه‌های مختلف است. این یکی از مهم‌ترین عوامل ذاتی در رشد کلی کودک است و بر عملکرد تحصیلی تأثیر می‌گذارد. از طریق کنترل عاطفی، کودکان می‌توانند رفتار، افکار و احساسات خود را در موقعیت‌های مختلفی که در زندگی روزمره با آن روبرو می‌شوند کنترل کنند. تنظیم عاطفی در آموزش دوران کودکی شامل استفاده دانش‌آموزان از دانش صریح در مورد احساسات، استراتژی‌هایی برای تعدیل و کنترل ابراز احساسات و توانایی کنار آمدن و حل تعارضات با همسالان است. علاوه بر این، تنظیم عاطفی ضروری است زیرا توسعه رفتارهای مشکل‌ساز را به حداقل می‌رساند و به رشد هماهنگ و سالم افراد در زمینه دوستی، عشق، خانواده، مدرسه و کار کمک می‌کند. نتایج این مطالعه با یافته‌های عزیزیان کهن و همکاران (۱۴۰۳)، عباس زاده و همکاران (۱۳۹۶)، حقیقی و سپس و همکاران (۱۴۰۲)، گوتیرز و کوبو و همکاران (۲۰۲۳)، کوژینگل و کوتیان (۲۰۲۲)، و جانی و همکاران (۲۰۱۸) همسو می‌باشد.

محرومیت نسبی یکی از عوامل افزایش پرخاشگری است. محرومیت نسبی به مهار نمایش بیرونی یک حالت هیجانی درونی اشاره دارد. این راهبرد تأثیر زیادی بر انواع رفتارهای پرخاشگرانه دارند، به طوری که محرومیت نسبی از طریق مقایسه خود با دیگری در قالب سرکوب بیانی می‌تواند چنین رفتاری را افزایش دهد و بنابراین یک عامل خطر پرخاشگری در

بزرگسالان و جوانان محسوب می‌شود. نتایج این مطالعه یا یافته‌های حقیقی و سپس و همکاران (۱۴۰۲)، صنعت‌خواه و بهرینی نژاد (۱۴۰۰)، پاپ و همکاران (۲۰۲۵)، چن و همکاران (۲۰۲۵)، بچر و همکاران (۲۰۲۵)، دوا شانتی و مورنو (۲۰۲۳)، گوتیرز و کوبو و همکاران (۲۰۲۳) همسو می‌باشد.

یکی دیگر از عوامل مرتبط با پرخاشگری، تأثیر دوستان است. دوستان با توجه به سن و سال و ویژگی‌های روانی و اجتماعی، بیشترین تأثیرگذاری بر روی همسالان خود دارند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هر اندازه انتخاب دوستان صحیح و براساس معیارهای منطقی صورت پذیرد، میزان پرخاشگری و رفتارهای خشونت‌آمیز کاهش پیدا می‌کند. تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند به عنوان یک تعدیل‌کننده بالقوه مورد بررسی قرار بگیرد. فرهنگ‌های فردگرا بر نقش احساسات در رفاه فردی تأکید دارند، در حالی که فرهنگ‌های جمع‌گرا، قراردادهای اجتماعی را در اولویت قرار می‌دهند و این تفاوت‌ها بر استفاده از تنظیم احساسات و پیامدهای آن تأثیر می‌گذارند. به عنوان مثال، در فرهنگ‌های فردگرا، اما نه در فرهنگ‌های جمع‌گرا، سرکوب با افزایش خشم مرتبط است. در فرهنگ‌هایی که ابراز خشم با هنجارهای اجتماعی ناهمخوان است، ممکن است نشخوار فکری نیز افزایش یابد. نتایج این مطالعه یا یافته‌های عزیزیان کهن و همکاران (۱۴۰۳)، عباس زاده و همکاران (۱۳۹۶)، حقیقی و سپس و همکاران (۱۴۰۲)، دوا شانتی و مورنو (۲۰۲۳)، گوتیرز و کوبو و همکاران (۲۰۲۳)، کوژیینگل و کوتیان (۲۰۲۲)، رومرولوپزو و همکاران (۲۰۲۱)، جانی و همکاران (۲۰۱۸) همسو می‌باشد.

در نهایت می‌توان مدیریت پرخاشگری را در چهار رکن ارائه نمود:

- **پیش‌بینی؛** برای شناسایی خطر خشونت و پرخاشگری و اجرای استراتژی‌های مؤثر کاهش آن، باید با افراد ارتباط برقرار شود، مشورت گرفته شود و همکاری صورت پذیرد.

- **تقویت؛** مهارت‌های شهروندان خود را برای پیشگیری، شناسایی و پاسخ به رفتارها و موقعیت‌های پرخطر افزایش می‌دهیم.

- **ارائه؛** منابع، سیستم‌ها و فرآیندهایی را برای ارائه محیطی امن، مطمئن و حمایتی برای افراد در جامعه داریم.

- **تطبیق؛** از تمام منابع موجود یاد می‌گیریم تا به طور مداوم رویکرد خود را برای به حداقل رساندن خشونت و پرخاشگری در خدمات درمانی خود اصلاح و تطبیق دهیم.

- با توجه به نتایج به‌دست آمده در این پژوهش، پیشنهاداتی که در این قسمت مطرح می‌شود. براین اساس لازم است سیاست‌هایی تدوین شود که در آن به شهروندان به خصوص جوانان به عنوان سرمایه‌های ارزشمندی برای هدایت فرایند پیشرفت در جامعه نگریسته شود.
- تشخیص، شناسایی و دسته‌بندی ناهنجاری‌های اجتماعی و اتخاذ تصمیم برای پیشگیری و رفع نابسامانی‌های مترتب بر آن‌ها.
 - بررسی نحوه تطبیق و تبلیغ و ترویج آموزه‌های دینی متناسب با شرایط روحی و سنی و اجتماعی جوان و نوجوان، متناسب با تحولات سریع جهانی.
 - تهیه و اجرای طرح جامع و راهبردی و همه جانبه اوقات فراغت با تعیین تکلیف برای سازمان‌ها و نهادهای مسؤول و بهره‌گیری از مشارکت مردم در این زمینه.
 - نظارت اجتماعی (کنترل‌های اجتماعی رسمی و غیر رسمی) از جمله راه حل‌های دیگر مقابله با پرخاشگری در برخی کشورها، استفاده از نیروی نظارت اجتماعی (کنترل‌های اجتماعی رسمی مانند ابزارهای قانونی و پلیس و کنترل‌های غیر رسمی مانند ابزارهای اخلاقی، ارزشی و فرهنگی) می‌باشد.
 - فرهنگ سازی برای ایجاد احساس مسؤولیت فرد به نقش‌هایش در جامعه انجام پذیرد تا مردم در کنار هم احساس امنیت کنند تا از یک طرف موارد خلاف هنجاری برطرف و از طرف دیگر ثبات در کلیه ارکان جامعه به‌خصوص در بعد اقتصادی و اجتماعی در جامعه حاصل شود.
 - تدوین سیاست‌هایی که در آن به جوانان به عنوان سرمایه‌های ارزشمندی برای هدایت فرایند پیشرفت در جامعه نگریسته شود.
 - شناخت نیازهای جوانان و رفع این نیازها جهت جلوگیری از معضلات بالقوه ناشی از عدم رعایت اصول اخلاقی در جامعه.

منابع

۱. حقیقی سیس، بیتا؛ زالوندبیل سوار، سحر و معصومه امیری (۱۴۰۲) «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر پرخاشگری در دانش‌آموزان و تأثیر آن بر وضعیت تحصیلی»، اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش، تهران.
۲. صنعت‌خواه علیرضا و مهران بحرینی نژاد (۱۴۰۰) «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر پرخاشگری در بین دانش‌آموزان»، شباک، دوره ۷، شماره ۶: ۱۶۹-۱۷۸.

۳. عباس‌زاده، محمد؛ سعادت‌ی، موسی؛ کبیری، افشار و طاهای عشایری (۱۳۹۶) «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر پرخاشگری در بین تماشاگران فوتبال»، **انتظام اجتماعی**، ۹ (۴): ۳۵-۷۰.

۴. عزیزیان کهن، نسرين؛ زارع آبدان‌سری، محمد و طیه یانپی (۱۴۰۳) «شناسایی عوامل مؤثر بر کاهش رفتارهای پرخاشگرانه مربیان فوتبال لیگ برتر ایران»، **مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش**، شماره ۴۳: ۱۲-۲۶.

۵. غفاری، غلامرضا و عادل ابراهیمی اویه (۱۳۸۴) **جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی**، تهران: دانشگاه پیام نور.

۶. فرجاد، محمدحسین (۱۳۸۲) **آسیب‌شناسی و جامعه‌شناسی انحرافات**، تهران: بدر.

۷. کتابی، محمود؛ کنجی، محمد؛ احمدی، یعقوب و رضا معصومی (۱۳۸۳) «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی»، **علوم انسانی دانشگاه اصفهان**، دوره ۱۷، شماره ۲: ۱۶۹-۱۹۲.

۸. گار، تدرابرت (۱۳۷۷) **چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟**، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

9. Badura, P., Eriksson, C., García-Moya, I., Löfstedt, P., Melkumova, M., Sotiroska, K., et al. (2024) **A focus on adolescent social contexts in Europe, Central Asia and Canada Health Behaviour in School-aged Children international report from the 2021/2022 survey: Volume 7**. Copenhagen: WHO Regional Office for Europe.

10. Becher, L., Guido, M.; Sebastian S. (2025) «Aggressive behavior and social status: An experimental test of the general aggression model», **Social Science Research**, 131, 103224.

11. Chen Y.; Wang L.; Guo S.; Gu, Q. (2025) «Violent or competitive? Unpacking adolescent cyber-aggressive behavior in text, video, and game context», **Front. Psychol.** 16:1577717.

12. Denson, T. F. (2015) «Four promising psychological interventions for reducing reactive aggression», **Current Opinion in Behavioral Sciences**, Volume 3, Pages 136-141.

13. Dua Shanti, E. Moreno, M. (2023) **Factors of Spreading the Aggressive Behavior among Kindergarteners from the Perspective of Their Teachers in East Jerusalem**, Education Research International.

14. Ferguson, C. J., Rueda, S.M., Cruz, A.M., Ferguson, D. E., Fritz, S., and Smith, S.M. (2008) «Violent video games and aggression:

byproduct of family violence and intrinsic violence motivation?», **Crim. Justice Behav.** 35, 311–332.

15. Festinger, L. (1954) «A theory of social comparison processes». **Hum. Relat.** 7, 117–140. doi: 10.1177/001872675400700202.

16. Gutiérrez-Cobo, M. J.; Megías-Robles, A.; Gómez-Leal, R.; Cabello, R.; Fernández-Berrocal, P. (2023) «Emotion regulation strategies and aggression in youngsters», **The mediating role of negative affect**, Volume 9, Issue 3/.

17. Jin, X. T., and Cui, H. J. (2013) «The relationship between achievement motivation and subjective well-being of the new generation of migrant workers: based on the moderating effects of social support and social comparison tendency». **China Rural Surv.** 1, 69–77+92–93.

18. Johnie J Allen, Craig A Anderson, Brad J Bushman (2018) The General Aggression Model» **Curr. Opin. Psychol.**, 19, pp. 75-80, 10.1016/j.copsyc.2017.03.034.

19. Kou, H., Su, Y., Yi, X., Luo, X., and Chen, H. (2014) «Effect of downward social comparison on implicit face self-evaluation in females with facial negative physical self: the difference between supraliminal and subliminal comparison». **Chin. J. Clin. Psychol.** 22, 577–582.

20. Krasnova, H., Widjaja, T., Buxmann, P., Wenninger, H., and Benbasat, I. (2015) «Why following friends can hurt you: an exploratory investigation of the effects of envy on social networking sites among college-age users». **Inform. Syst. Res.** 26, 585–605.

21. Kuzhiyengal Mambra, A. J.; Kotian, S. S. (2022) «A Systematic Review of Intervention to Reduce the Aggressive Behaviour among Higher Secondary Students», **SSRN Electronic journal**.

22. Lei, Z. Y., Jin, T. L., and Wu, Y. T. N. (2023) «A cross-lagged analysis of upward social comparison and cyber aggression among college students». **Chin. J. Sch. Health**, 40, 1542–1544.

23. Pop, G.V., Nechita, DM., Miu, A.C.; Szentágotai-Tătar, A. (2025) «Anger and emotion regulation strategies: a meta-analysis». **Sci Rep**, 15, 6931.

24. Romero-López, M.; Pichardo, M. C.; Justicia-Arráez, A.; Bembibre-Serrano, J. (2021) «Reducing Aggression by Developing Emotional and Inhibitory Control, Int. J. Environ. Res». **Public Health**, 18(10), 5263.

25. Freud, S. (1922). *Beyond the Pleasure Principle*. London: Hogarth Press. Freud, S. (1930). *Civilization and Its Discontents*. London: Hogarth Press)

26. Dollard, J., Doob, L., Miller, N., Mowrer, O., & Sears, R. (1939). *Frustration and Aggression*. New Haven: Yale University Press.

27. Miller, N. E. (1948). Theory and experiment relating psychoanalytic displacement to stimulus-response generalization. *Psychological Review*, 55(6), 291-308.

28. Berkowitz, L. (1989). Frustration-aggression hypothesis: Examination and reformulation. ***Psychological Bulletin***, 106(1), 59-73.

29. Evans, R. I. (Ed.). (1975). Konrad Lorenz: The man and his ideas. Harcourt Brace Jovanovich.